

رمزگشایی نشانه‌های ارتباط غیرکلامی در کلیله و دمنه

دکتر رضا شجری

دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه کاشان

عباس شاه‌علی رامشه *

چکیده

نویسندگان در این مقاله به رمزگشایی نشانه‌های ارتباط غیرکلامی در سه راه نشانه‌های دیداری (۷۰ نشانه)، نشانه‌های آوایی (۲۲ نشانه) و نشانه‌های مربوط به فاصله بدنی (۱۲ نشانه) پرداخته، و نشان داده‌اند که چگونه نصرالله منشی با کاربرد آگاهانه از زبان بدن حتی برخی حالات و حرکات حیوانات- زمینه افزایش ظرفیت نمایشی قصه‌ها و ملموس‌تر ساختن آنها فراهم آورده است. در این تحلیل نشان داده شده است که رمزگان زبان بدن در کلیله و دمنه صرفاً خاستگاه ارادی و اختیاری ندارد، بلکه برخی از این حالات مانند حالات پیشانی بیشتر جنبه وراثتی و غیرارادی دارد. افزون بر این در این رمزگشایی نشان داده شد که بهره‌گیری از رمزگان ارتباط غیرکلامی در کتاب کلیله و دمنه نه تنها از حالات و هیجاناتِ شخصیتها پرده برداشته، بلکه به‌عنوان عنصری اصلی به وقوع برخی از حوادث اصلی در حکایات منجر شده است.

واژه‌های کلیدی: نشانه‌های غیرکلامی، دیداری در کلیله و دمنه، تحلیل رفتاری شخصیت‌های کلیله و دمنه، ارتباطات غیرکلاسی در ادبیات کلاسیک.

۱. مقدمه

۱-۱ مسأله پژوهش

پژوهش‌های میان‌رشته‌ای در زمان ما با فراهم کردن فضاهاى علمى بین‌رشته‌ای موجب پرهیز از ابتدال در تحقیقات دانشگاهی شده و علاوه بر آن، زمینه‌های شناخت و پرداخت ساحت‌های ناشناخته علوم را فراهم آورده است.

همه کنشها و بازخوردهای رفتاری در تعاملات بین فردی و اجتماعی، حاصل کیفیت ارتباط است. علم ارتباطات با بهره‌گیری از دو شاخه «ارتباط کلامی» و «ارتباط غیرکلامی» می‌کوشد گونه‌های ارتباطات فردی و اجتماعی انسان و جامعه را توصیف کند و آن را در پیشبرد اهداف سامان دهد. اینجاست که علم ارتباطات با زیرشاخه‌های کلامی و غیرکلامی، خود با علم سیاست، فرهنگ تجارت و ادبیات و هنر و... رابطه برقرار می‌کند و با توصیف و تعدیل رفتار شخصیتها و قهرمانان بر اهمیت موضوع می‌افزاید. در شاخه ارتباط غیرکلامی که این نوشتار به آن اختصاص دارد، افراد جامعه در تعاملات روزانه خود از طریق چهره، وضع ایستادن، طریقه لباس پوشیدن، حالت صدا و بسیاری از راهنماهای غیرکلامی دیگر به‌طور غیرارادی و ناخواسته به «خودگشودگی» می‌پردازند و از آن به‌عنوان ابزاری کارساز در سازندگی و بالندگی رابطه بهره می‌گیرند (فرهنگی، ۱۳۹۰: ج ۱۲/۲). آثار ادبی در سراسر جهان منبع سرشار شناخت جلوه‌های اطوار بشری است که از طریق تحلیل و رمزگشایی مفاهیم غیرکلامی آنها می‌توان به شناخت ساحت‌های مختلف فرهنگ جهانی در حوزه زبان بدن دست یافت.

کتاب کلیله و دمنه نصرالله منشی از دستاوردهای فرهنگ هند باستان و از امهات متون حکمی - ادبی فارسی قرن ششم هـ است. ادبیات کهن هند به آثار تمثیلی و داستانهای پر مغز و قصه‌های مربوط به حیوانات ممتاز است. دو منبع مهم هندی آن به زبان سنسکریت، پنجه تتره و مهابهارته است؛ البته با تصرفاتی که به کوشش ایرانیان در آن روی داده است (یوسفی، ۱۳۷۲: ج ۱/ ۱۴۵-۱۴۷)، ترجمه عبدالله بن مقفع در قرن دوم از این کتاب و تحریر هنرمندان نصرالله منشی در قرن ششم سبب شد تا این کتاب علاوه بر مایه‌های فرهنگ هندی به زیور فرهنگ ایرانی - اسلامی آراسته شود و لذا تحلیل و رمزگشایی راه‌های ارتباطات غیرکلامی، زمینه شناخت فرهنگ تکوین اثر را فراهم

می‌سازد. کتاب کلیله و دمنه نسبت به برخی از کتابهای ادبی دیگر، با نشان دادن تپهای مختلف شخصیتی و گفتگوهای آنها در لباس نمادهای حیوانی مملو است از رمزها و نشانه‌های غیرکلامی تا جایی که کاربرد هنرمندانه از زبان بدن در سراسر قصه‌ها، وقوع بسیاری از اتفاقات مهم را رقم زده است. علاوه بر این در سراسر اثر قرآینی هست که نشان می‌دهد، نویسنده در قرن ششم با انواع راه‌های ارتباط غیرکلامی آگاه بوده است؛ مثلاً تضمین به این بیت عربی از دیوان بُحتری:

وَ فِي عَيْنَيْهِ تَرْجَمَهُ أَرَاهَا تَلُّ عَلَى الضَّعَائِنِ وَالْحُقُودِ

(نصرالله منشی، ۱۳۸۹: ۳۳۳)

یعنی در دو چشم او نشانه‌ای است که می‌بینم آن را بر کینه‌ها و حسدها دلالت می‌کند. این بیت بروشنی این کاربرد آگاهانه را نشان می‌دهد. علاوه بر این، نویسنده در پرداخت قصه‌ها به رفتارشناسی حرکات حیوانات مانند حرکات دم و ریخته شدن موی حیوان توجه کرده است که ضرورت این تحقیق را در قالب ادبی فابل^۱ مضاعف می‌کند. نگارندگان می‌کوشند با روش توصیفی-تحلیلی و با شناخت ماهیت زبان بدن و طبقه‌بندی و رمزگشایی راه‌های غیرکلامی برخی حرکات و احساسات و آواها در کلیله و دمنه، زمینه‌های شناخت بیشتر فرهنگ اجتماعی، نظام مناسبات فردی-اجتماعی و روابط بینافردی، سبک نویسنده در شخصیت‌آفرینی، موقعیت روانی شخصیتها و کیفیت سبک زندگی را فراهم آورند.

۱-۲ پیشینه پژوهش

در حوزه مبانی نظری این پژوهش، شاید بتوان تأثیرگذارترین اثر پیش از قرن بیستم در زمینه مطالعه فنی زبان بدن را کتاب «چارلز داروین» به نام «بروز احساسات در انسان و حیوانات» دانست که در سال ۱۸۷۲ چاپ شد (پیز، ۱۳۹۶: ۱۴)؛ پس از آن مطالعات نظری ارتباط غیرکلامی به‌طور جدی‌تر دنبال شد. از میان مقالاتی که در این سالها در حوزه ارتباط غیرکلامی متون کلاسیک نگاشته شده است و زحمت ایشان قابل تحسین و یادآوری است، می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

فرهنگی و فرجی در مقاله همایشی «زبان بدن از نگاه مولانا در مثنوی معنوی» به بررسی حالات و حرکات و اشارات و نگاه‌ها در ابیاتی از مثنوی پرداخته‌اند. از نتایج این تحقیق این است که مولانا با آگاهی به اسرار ارتباط غیرکلامی، زبان بدن را ناشی از



مکنونات درونی و مرتبط با روان افراد برمی‌شمرده و آن را صادقانه‌تر از زبان کلامی می‌دانسته است (۱۳۸۹: ج ۲ / ۴۲۹-۴۶۲). رضی و افراخته در مقاله «تحلیل روابط برون‌زبانی در روایت بردار کردن حسنگ وزیر» نشان می‌دهند که رفتارهای غیرکلامی در داستان حسنگ وزیر و پیامهای غیرزبانی که از روایت، صحنه‌پردازیها، توصیفها، اشارات، حرکات، زمان محیط و آواها و ... به خواننده القا می‌شود از ویژگیهای برجسته تاریخ بیهقی است که روایت آنها در جذابیت و باور کردن تاریخ مؤثر بوده است (۱۳۸۹: ۲۹-۵۸). هم‌چنین بهنام و همکاران در مقاله «گفتار بی‌صدا؛ تأملی بر زبان بدن در غزلیات شمس» با دنبال کردن نشانه‌های غیرکلامی در سه مقوله نشانه‌های دیداری، نشانه‌های آوایی و نشانه‌های مربوط به فاصله اذعان می‌کنند که مولانا در غزل تنها یک شاعر درونگرا نیست و از مقولات بیرونی از جمله نشانه‌های زبان بدن و گزارش آنها در متن غزلیات شمس غافل نمانده است (۱۳۹۳: ۳۴-۴۸). علاوه بر این باقری‌خلیلی و ژلیکانی در مقاله «تحلیل سیاسی زبان بدن در تاریخ بیهقی»، زبان بدن را به دو نوع ارادی و غیرارادی تقسیم، و در تاریخ بیهقی، مصداقهای زبان بدن را در چهار مقوله حرکات و حالات چهره، اشارات و حالات سر و تن، حرکات و اشارات دست و دیگر رفتارهای حرکتی دنبال می‌کنند (۱۳۹۴: ۷۹-۹۹). افزون بر اینها در زمینه زبان بدن در تاریخ بیهقی، محمودی و همکاران در مقاله «ارتباطهای غیرکلامی در روایت‌های تاریخ بیهقی»، انواع رفتارهای غیرکلامی مثل حرکات و اشارات بدن، زمان، مکان، مصنوعات، رفتارهای چهره و تماسهای بدنی را طبقه‌بندی و رمزگشایی کرده‌اند و نشان می‌دهند که ارتباطهای غیرکلامی در تاریخ بیهقی بیشتر در تکمیل ارتباطهای کلامی به کار می‌رود (۱۳۹۵: ۲۰۱-۲۳۱). قاسم‌زاده و همکاران نیز در مقاله «تحلیل مفاهیم و کارکرد ارتباطات غیرکلامی در شاهنامه» با واکاوی مفاهیم زبان بدن در کنشهای غیرزبانی شخصیت‌های برجسته شاهنامه تلاش کرده‌اند مفاهیم پوشیده فرهنگی را رمزگشایی کنند. از نتایج این تحقیق برمی‌آید که این کنشهای غیرزبانی در شاهنامه آگاهانه بوده و به قصد بازانندیشی مخاطب در الگوهای رفتار فردی و اجتماعی ایرانیان و غیرایرانیان صورت گرفته و بیشتر از رهگذر کنایه‌سازی و نمادپردازی انجام شده است (۱۳۹۷: ۱۵۷-۱۸۴).

نگارندگان این نوشتار، هنگام تدوین این مقاله متوجه شدند که مقاله‌ای همایشی در هیجده صفحه با عنوان «نشانه‌های زبان غیرکلامی در کلیله و دمنه و مرزبان‌نامه» (رازانی،

۱۳۹۵: ۱- ۱۸) در دومین همایش متن پژوهی ادبی (نگاهی تازه به کلیله و دمنه و مرزبان‌نامه)، ارائه شده که نویسنده آن مقاله تنها دو باب «شیر و گاو» و «بازجست کار دمنه» از کتاب کلیله و دمنه و «باب اول» از کتاب مرزبان‌نامه را از دیدگاه نشانه‌شناسی زبان غیرکلامی مورد بررسی قرار داده است. نگارندگان این مقاله به دلیل اهمیت کتاب، که بازتاب‌دهنده لایه‌هایی از فرهنگ غیرکلامی باستانی هند و ایران اسلامی در قرن ششم است با تبیین بنیادهای نظری پژوهش در حوزه نشانه‌شناسی و ارتباطات غیرکلامی به‌طور مفصل‌تر به تحلیل و بازپرداخت همهٔ ابهامات کتاب همت گماشتند؛ از جمله نتایج این پژوهش و تمایزهای آن نسبت به تحقیق سابق می‌توان به این موارد اشاره کرد:

۱. در تحقیق پیشین نویسندگان به بازتاب زبان بدن در دو باب کلیله و دمنه و یک باب مرزبان‌نامه پرداخته، و به دلیل حجم کم مقاله به صورت سطحی و گذرا تنها به «۴۰ نشانه» اشاره کرده‌اند در حالی که نویسندگان این مقاله صرفاً در کتاب کلیله و دمنه «۱۰۴ نشانه» را جستجو کرده‌اند که این بسامد زیاد، اشراف و آگاهی نصرالله منشی را به زبان بدن و کارکردهای آن در ارتباطات میان‌فردی می‌رساند؛ افزون بر این، نویسندگان در این تحقیق علاوه بر رمزگشایی از زبان بدن انسانی به رفتارشناسی حرکات و حالات حیوانات از جمله حرکات دم و ریخته شدن موی حیوان پرداخته‌اند.
۲. نویسندگان مقاله علاوه بر رمزگشایی نشانه‌های ارتباط غیرکلامی با جستجویی که در کارکردهای ششگانهٔ زبان بدن «کنترل کردن، تکرار کردن، تکذیب کردن، تکمیلی، جانشینی و تأکیدی» در کتاب کلیله و دمنه کرده، نتیجه گرفته‌اند که بیشترین کارکرد نشانه‌های غیرکلامی در کتاب کلیله و دمنه، کارکرد جانشینی است در حالی که در مقاله سابق صرفاً به رمزگشایی برخی نشانه‌ها بسنده شده است.
۳. نویسندگان مقاله با توجه به گسترهٔ دامنهٔ پژوهش، نتیجه گرفته‌اند که بهره‌گیری از زبان بدن در کلیله و دمنه نه تنها به ملموس و عینی ساختن وقایع کمک کرده، بلکه برخی از رخداد‌های اصلی داستانها را رقم زده است.
۴. از جمله دستاوردهای این تحقیق این است که برخی از رمزگان زبان بدن در کتاب کلیله و دمنه مثل اشارات پیشانی، بیشتر جنبهٔ وراثتی و غیرارادی دارد تا اختیاری که در تحقیق سابق به آن اشاره نشده است.

وقتی مقاله کامل شد، بنیان نظری مقاله و ارائه شواهد و نمونه‌ها بیش از چهل صفحه را دربرمی‌گرفت که با توجه به محدودیت صفحات مجلات، نویسندگان ناگزیر شدند بخشی از شواهد را در مقاله حذف، و اصل آن نشانه‌ها را به صورت جدول در مقاله ارائه کنند. و اصل مقاله چهل صفحه‌ای برای استناد و آگاهی داوران و اعضای هیأت تحریریه به دفتر مجله فرستاده شده است.

۲. بنیانهای نظری پژوهش

۲-۱ نشانه‌شناسی و پدیده‌های فرهنگی

فردینان دوسوسور، زبانشناس سوئیسی و چارلز ساندرز پیرس فیلسوف امریکایی، که کم و بیش در یک دوره می‌زیسته‌اند، بنیانگذاران اصلی علم نشانه‌شناسی هستند (سجودی، ۱۳۸۲: ۲۱). در تجزیه و تحلیل نشانه، سوسور الگویی دو وجهی یا دو قسمتی از نشانه ارائه می‌کند. از دیدگاه او نشانه تشکیل شده از، دال^۱، تصویر صوتی و مدلول^۲، مفهومی که دال به آن دلالت می‌کند. هم‌چنین از دیدگاه سوسور، نشانه کلیتی است ناشی از پیوند بین دال و مدلول و رابطه دال و مدلول را اصطلاحاً دلالت^۳ می‌نامند (همان: ۲۲). از دیدگاه متخصصان حوزه نشانه‌شناسی، دانش نشانه‌شناسی با بیشتر پدیده‌های فرهنگ بشری ارتباط برقرار می‌کند. به عقیده پیرس، نشانه‌شناسی، دانش بررسی تمامی پدیدارهای فرهنگی است که به نظامهای نشانه‌شناسیک تعلق داشته باشد (احمدی، ۱۳۸۸: ۷). کالر معتقد است نشانه‌شناسی به جای بازسازی علی و تاریخی، تبیین ساختارگرایانه را پیشنهاد می‌کند و وابستگی متقابل پدیده‌های اجتماعی با یکدیگر را به دلیل تحلیل آنها براساس نظام روابط نشان می‌دهد (کالر، ۱۳۸۸: ۹۳). از این رو دانش نشانه‌شناسی با علوم دیگر به عنوان پدیده‌ای فرهنگی ارتباط برقرار می‌کند. بر این اساس در حوزه تحقیق ما از آنجا که بدن می‌تواند ویژگیهای درونی و شخصیتی فرد را آشکار کند، نشانه‌های بدنی، بیش از اینکه پدیده‌ای زیست‌شناختی به شمار رود، پدیده‌ای فرهنگی است که مملو از نمادها و معناهاست (اینانو، ۱۳۹۵: ۱۹-۲۰)؛ برای مثال جمع شدن ابروها نشانه عصبانیت و باز شدن ابروها از یکدیگر نشانه رضایت و خوشحالی است که با جزئی‌ترین تغییر در دال، مدلول نیز از آن تغییر پیروی می‌کند (شعیری، ۱۳۹۲: ۳۱).

علاوه بر این از آنجا که بسیاری از کنشهای رفتاری با زبان تصویر ادبی بیان می‌شود،

علم نشانه‌شناسی نیز با علم بلاغت از شاخه‌های علم ادبیات ارتباط مستقیمی برقرار می‌کند تا جایی که بیشتر نشانه‌شناسان معاصر، مطالعه فنون بلاغی [استعاره، مجاز، مجاز مرسل، کنایه] را در قلمرو نشانه‌شناسی دانسته‌اند. ویکو اشاره کرده است که در همه زبانها در بخش عمده‌ای از عباراتی که به چیزهای بی‌جان مربوط می‌شود به‌گونه‌ای استعاری از اعضای بدن و از احساسات انسانی استفاده شده است (سجودی، ۱۳۸۲: ۱۱۶-۱۲۰).

۲-۲ ماهیت و کارکردهای نشانه‌های ارتباط غیرکلامی

قبل بررسی ماهیت ارتباط غیرکلامی و تبیین عوامل آن، پراختن به مقوله ماهیت فرهنگ و اصل ارتباط به‌عنوان دو جزء جدایی‌ناپذیر در نظامها و خرده‌نظامهای فرهنگ جهانی ضروری است. اگر چه تعریفی جامع و شامل از فرهنگ غیرممکن می‌نماید، فرارو معتقد است فرهنگ هر چیزی است که مردم دارند؛ فکر می‌کنند و به‌عنوان افرادی از جامعه خود عمل می‌کنند (۱۳۷۹: ۳۶)، از آنجا که ارتباط میان‌فردی را فرایندی تبدیلی، هدفمند، چند بُعدی، برگشت‌ناپذیر و اجتناب‌ناپذیر دانسته‌اند (هارجی و دیگران، ۱۳۹۳: ۴۷)، فرهنگ نیز از طریق راه‌های ارتباطات کلامی و غیرکلامی است که هدفمند انتقال می‌یابد و تغییر و توسعه پیدا می‌کند. در این نوشتار باتوجه به موضوع بحث به ماهیت ارتباطات غیرکلامی و کارکردهای عناصر آن پرداخته می‌شود.

ارتباط غیرکلامی زمانی رخ می‌دهد که فردی به وسیله حالات چهره، لحن صدا، یا هر راهی... فرد دیگری را تحت تأثیر قرار دهد (آرژیل، ۱۳۷۸: ۱۲). یا به تعبیر دیگر ارتباط غیرکلامی تمام پیامهایی است که افراد علاوه بر خود کلام، آنها را نیز مبادله می‌کنند (برکو و دیگران، ۱۳۸۲: ۱۱۸). بدن لباس روح است و زبان آن کلمات قلب ماست. هر گونه حرکات درونی، احساسات، آرزوها و تمایلات، همگی از طریق بدن ما نمود پیدا خواهد کرد (مولکو، ۱۳۸۶: ۲۴-۲۵). یک ضرب‌المثل چینی هشدار می‌دهد «مراقب کسی که وقتی می‌خندد، شکمش بالا و پایین نمی‌رود باش» (بولتون، ۱۳۸۱: ۱۲۴). بررسیها نشان می‌دهد تأثیر پیامهای غیرکلامی پنج برابر از پیامهای کلامی قویتر است (آلن و پیس، ۱۳۸۲: ۲۴). [بردویسل] تخمین می‌زند که در هر برخورد دو نفره معمولاً یک سوم معانی اجتماعی از طریق عوامل کلامی و دوسوم بقیه از طریق راه‌های غیرکلامی منتقل می‌شود (هارجی و دیگران، ۱۳۹۳: ۴۷). ارتباط غیرکلامی در فضای خالی اتفاق نمی‌افتد. در

بیشتر مواقع، ارتباط غیرکلامی همراه با ارتباط کلامی روی می‌دهد؛ از این گذشته، هر چند رفتارهای غیرکلامی منفرد، پیامهای مستقلی می‌فرستد، اما معمولاً بیشتر پیامهای غیرکلامی از گروهی از رفتارهای غیرکلامی تشکیل می‌شود. گیرنده‌ها، پیامهای گوناگون را به‌طور مستقل تعبیر می‌کنند؛ اما معمولاً این پیامها مانند نظام پیامی با هم تعبیر می‌شود. تجزیه و تحلیل شش کارکرد اصلی پیامهای غیرکلامی مرتبط با پیامهای کلامی در حوزه ارتباطات میان‌فردی نشان می‌دهد که چطور پیامهای کلامی و غیرکلامی اغلب به هم مرتبط است. این شش کارکرد عبارت است از: کامل کردن^۵، تکذیب کردن^۶، تکرار کردن^۷، کنترل کردن^۸، جان‌شینی^۹ و تأکیدی^{۱۰} (ریچموند و مک‌کروسکی، ۱۳۸۸: ۹۰). ارتباط غیرکلامی از لحاظ ابزار ارزشهای فرهنگی، شبیه ارتباط کلامی است. الگوهای غیرکلامی نیز مثل ارتباطات کلامی منعکس کننده ارزشها، دیدگاه‌ها و میراث فرهنگهاست. این ادعا به‌طور تلویحی حاکی است که بیشتر رفتار غیرکلامی غیرغریزی است و هنگام جامعه‌پذیری فراگرفته می‌شود (تی. وود: ۱۳۸۴: ۲۹۸-۲۹۹). آثار و منابع ادبی، سرشار از پیشفرضهایی در زمینه فرهنگ است... اعضای هر فرهنگ، افرادی را که با کنایه‌ها و اشارات غیرکلامی فرهنگ آنان آشنایی دارند با گرمی و حرارت بیشتری می‌پذیرند و در ضمن، این افراد فرصت بیشتری برای برقراری روابط متقابل موفقیت‌آمیز با یکدیگر خواهند داشت (فرارو: ۱۳۷۹: ۱۱۱). از جمله برجسته‌ترین نشانه‌های غیرکلامی و حرکات بدن می‌توان به نشانه‌های دیداری^{۱۱}، نشانه‌های آوایی^{۱۲} و نشانه‌های مربوط به فاصله^{۱۳} اشاره کرد (ریچموند و مک‌کروسکی، ۱۳۸۸: ۹۶-۹۷). در ادامه به‌طور مختصر انواع گونه‌های نشانه‌های دیداری، نشانه‌های آوایی و نشانه‌های مربوط به فاصله بدنی معرفی می‌شود.

۱-۲-۲ نشانه‌های دیداری

از میان نشانه‌های دیداری مربوط به چهره، اگر چه مجموعه صورت، چشم، ابرو و بینی، راه‌های ارتباطی را می‌سازد، ولی آنها جداگانه، و سپس دیگر نشانه‌های دیداری بررسی می‌شود:

الف) حالات سر و چهره (دهان، چشمها، ابروها و پیشانی)

بی‌تردید مهمترین راه غیرکلامی حالت چهره است. این جنبه از ارتباط، دارای قدیم‌ترین تاریخ در پژوهش آن است؛ زیرا اولین بار چارلز داروین در سال ۱۸۷۲ در

کتاب «بیان احساسات در انسان و حیوان» این را نشان داده است. پژوهشهای داروین دربارهٔ حالات چهره در بسیاری از حوزه‌های رفتاری تأثیر بسزا دارد. نتیجهٔ مهم پژوهش او این است که احساسات مهم و اصلی، که به وسیلهٔ چهره منتقل می‌شود، جهانشمول است؛ یعنی انسانها همه جای دنیا غالباً این احساسات را با یک رمز، که همان حالت چهره است و به یک شکل و یکسان بیان می‌کنند (آرونسون و دیگران، ۱۳۸۴: ۷۹)؛ برای مثال مردمان فرهنگهای مختلف در برابر برخی هیجانانگیز، حالات چهرهٔ مشابهی را بروز می‌دهند. مردم اعم از غربی و غیرغربی، حداقل شش هیجان اولیه (شادی، تعجب، عصبانیت، غم، ترس و نفرت) را می‌توانند از طریق چهره تشخیص بدهند (فرانزوی، ۱۳۸۱: ۸۳). چشمها نیز دریچه‌هایی به سوی روح، و چهره پوششی است که گویای احساسات، حالتها و نگرشهای فرد است. برخی مطالعهٔ حالت‌های چهره را همان مطالعهٔ احساسات تلقی می‌کنند؛ به این معنی که احساسات و حالت چهره مربوط به آنها، رابطهٔ تنگاتنگی با هم دارد به گونه‌ای که این دو جدایی ناپذیر است (ریچموند و مک‌کروسکی، ۱۳۸۸: ۱۹۲). لبخند اغلب با شادی، اخم با شک و تردید، لبها و چشمهای رو به پایین با غم، دهان باز با تعجب، دهان و بینی کج و کوله یا پرچین و چروک با انزجار یا تحقیر، گشاد کردن سوراخهای بینی با خشم و چشمهای گشاد با ترس یکی است (همان: ۲۰۹).

ب) ژستها (پیکر، دستها، پاها، دم، موی بدن)

کل بدن نیز در کنار حالات چهره، منبع اطلاعات غنی و سرشاری است. حرکات بدن علاوه بر اینکه در مورد سن و زور افراد اطلاعاتی به ما می‌دهد، میزان برانگیختگی آنان را نیز نشان می‌دهد. تحقیقات نشان می‌دهد که مردم وقتی عصبی می‌شوند، برخی قسمتهای بدن خود را لمس می‌کنند؛ می‌کشند یا می‌مالند. برخی مردم هنگام برانگیختگی بیش از حد آرامش، چنین حرکاتی انجام می‌دهند (فرانزوی، ۱۳۸۱: ۸۵). علاوه بر این انسانها با بدن خویش اطلاعات زیادی در مورد نگرش خویش دربارهٔ خودشان مخابره می‌کنند. کسی که شق و رق می‌ایستد و محکم راه می‌رود، نشان می‌دهد که اعتماد به نفس دارد؛ اما کسی که قوز می‌کند و لخلخ راه می‌رود در واقع از عدم اعتماد به نفس داشتن خود خبر می‌دهد (تی. وود: ۱۳۸۴: ۳۰۰). قد افراد اغلب با

مفهوم قدرت و سلطه تداعی می‌شود. اشخاصی که قد بلندی دارند بردیگران برتری دارند (ریچموند و مک‌کروسکی، ۱۳۸۸: ۱۲۹).

ج) ظاهر فیزیکی

اولین پیامی که از سوی ما به دیگران فرستاده می‌شود به وسیله ظاهر فیزیکیمان منتقل می‌شود. ظاهر فیزیکی ما از جمله، اندازه بدن، شکل بدن، لباس و... جنبه‌های بسیاری دارد که پیامهای نهفته‌ای را به وجود می‌آورد (ریچموند و مک‌کروسکی، ۱۳۸۸: ۹۷). چگونگی لباس پوشیدن، ژستهای مختلف و خودآرایی جلوه‌هایی از ظاهر فیزیکی است (اسمیت، ۱۳۸۱: ۵۹).

۲-۲-۲ نشانه‌های آوایی

برخی محققان بر این باورند که بیشترین معنی ارتباطات به وسیله پیامهای آوایی تحریک می‌شود تا پیامهای کلامی (ریچموند و مک‌کروسکی، ۱۳۸۸: ۹۸). به تمام جلوه‌های صوتی که همراه با کلمات ایجاد می‌شود، نظیر تَن صدا (اما نه خود کلمات) صداها آوایی می‌گویند. کیفیت صدا به شکلی غیرکلامی، پیام خاصی برای شنونده دارد. سرعت، قدرت، طنین، مکث و شدت صدا، همه معنایی خاص دارد که اصطلاحاً به آنها نشانه‌های صوتی می‌گویند (برکو و دیگران، ۱۳۸۲: ۱۳۳). هیجان و آرامش گوینده با میزان و نوع تغییر در دنگ و بلندی صدا مرتبط است؛ با وجود این برخی از احساسات را می‌توان دقیقتر از دیگر احساسها حدس زد. حالت عصبی، خشم، غم و شادی، ساده‌ترین احساساتی است که صرفاً از طریق نشانه‌های آوایی تعبیر و تفسیر می‌شود. از طرفی حدس زدن احساساتی مثل تعجب، ترس و عشق اغلب بسیار دشوار است (ریچموند و مک‌کروسکی، ۱۳۸۸: ۲۵۳). سکوت نیز، که یکی از شکل‌های نیرومند ارتباط غیرکلامی است، می‌تواند ابزار اعمال قدرت باشد (تی. وود: ۱۳۸۴: ۲۹۷). علاوه بر این سکوتی که بین عاشق و معشوق رد و بدل می‌شود، سکوتی که حاکی از احترام گذاشتن به بزرگتر است، سکوت سردی که در مشاجره بین افراد به وجود می‌آید و سکوتی که نادیده گرفته می‌شود، همه نمونه‌هایی از مکث‌های تعاملی است (ریچموند و مک‌کروسکی، ۱۳۸۸: ۲۴۲-۲۴۳).

۲-۲-۳ نشانه‌های مربوط به فاصله بدنی

تحقیقات ادوارد تی‌های نشان می‌دهد نوع رابطه افراد با یکدیگر، فاصله میان فردیشان^{۱۴}

را با کسانی که با آنها در تعامل هستند، تحت تأثیر قرار می‌دهد. حال چهار حریم میان فردی را توصیف می‌کند که با نوع رابطه تعاملی مشخص می‌شود. چهار حریم میان فردی عبارت است از: صمیمی، خودمانی - شخصی، اجتماعی - مشورتی و عمومی.

الف) حریم صمیمی^{۱۵}: محدوده این حریم از لمس کردن تا فاصله هیجده اینچی متغیر است. عشاق، دوستان بسیار نزدیک و اعضای صمیمی خانواده، تنها کسانی هستند که به میل خود به آنها اجازه داده می‌شود به این حریم وارد شوند.

ب) حریم خودمانی - شخصی^{۱۶}: این منطقه از فاصله هیجده اینچی تا حدود چهار فوت (۴۵ سانتیمتر و کمتر) متغیر است.

ج) حریم اجتماعی مشورتی^{۱۷}: بسیاری از افرادی که با ما در تعامل هستند، باید در حریم اجتماعی - مشورتی بمانند. متغیر این منطقه از چهار فوت تا هشت فوت (۴۵ سانتیمتر تا یک متر و بیست سانتیمتر) است.

د) حریم عمومی^{۱۸}: محدودیت این حریم از هشت فوت شروع می‌شود و تا انتها درجه امکان تعامل (۳۶۰ سانتیمتر و بیشتر) ادامه دارد (ریچموند و مک‌کروسکی، ۱۳۸۸: ۲۸۲-۲۸۴).

مطالعات ارتباط غیرکلامی به بررسی رفتارهای انسانها محدود نشد و در تحقیقات اخیر، رفتارشناسی حیوانات مورد مطالعه جدی‌تر قرار گرفت. حیوانات نیز تنوع عملیاتی مشابهی با انسان دارند. به علاوه، از آنجا که حیوانات فاقد هرگونه زبان هستند، پیام‌رسانی غیرکلامی تنها راه انتقال اطلاعات درباره جهان فیزیکی است (آرگایل، ۱۳۹۳: ۵۶). طرز نشستن، ایستادن و راه رفتن حیوان، منعکس‌کننده و انتقال‌دهنده حالت عاطفی - هیجانی و نگرش او به حاضران است. حیوان با جایگاه برتر و اعتماد به نفس با حالتی راحت و گل و گشاد می‌نشیند و خیلی شق و رق با دُمی افراشته در هوا راه می‌رود. حیوان سلطه‌پذیر، حالتی قوزدار، خمیده و سری فرو رفته در شانه دارد و خیلی افسرده با حالتی بی‌علاقه و دل‌مرده کز می‌کند، بعضی از حیوانات از دم برای پیام‌رسانی استفاده می‌کنند (همان: ۷۵).

۳. رمزگشایی نشانه‌های ارتباط غیرکلامی در کلیله و دمنه

۳-۱ نشانه‌های دیداری

۱-۱-۳ نمونه حرکات و اشارات مختص چشم

الف) بر چپ و راست و پس و پیش نگریستن: نشانه کژی باطن و آماده جنگ بودن

در باب «شیر و گاو»، دمنه به منظور اغوا و تحریض شیر به کشتن گاو بر چپ و راست و پس و پیش نگرستن گاو را نشانه کژی باطن و آمادگی گاو برای جنگ می‌داند «و علامت کژی باطن او آن است که متلون و متغیر پیش آید و چپ و راست می‌نگرد و پس و پیش سره می‌کند، جنگ را می‌بسیجد» (نصرالله منشی، ۱۳۸۹: ۱۱۴).

۳-۱-۲ نمونه حرکات و اشارات مختص ابرو

الف) ابرو چین انداختن: نشانه خشم و عصبانیت

در باب «پادشاه و فتنه»، پس از اینکه بر صورت پسر پادشاه می‌جهد و او را کور می‌گرداند، پادشاه برای فریب و انتقامگیری از او به بیت زیر استشهد می‌کند. چین بر ابرو انداختن بر خشم و عصبانیت دلالت می‌کند:

خشم نبوده است بر اعدام هیچ چشم ندیده‌است در ابروم چین
(نصرالله منشی، ۱۳۸۹: ۲۷۷)

۳-۱-۳ نمونه حالات و اشارات مختص پیشانی

اگر چه در کلیله و دمنه، نویسنده حالات و اطوار خاصی را برای پیشانی ذکر نکرده است که آن حالت بر نشانه خاصی دلالت کند، نشانه‌های گوناگون آن حالات ذکر شده است. این نشانه‌ها بیشتر جنبه وراثتی و نسبی دارد تا اختیاری و از لحاظ فرهنگی حائز اهمیت است که در اینجا به ذکر نمونه‌ای اکتفا می‌شود:

الف) حالت پیشانی در جهت عداوت و دشمنی

در باب «پادشاه و برهمنان»، برهمنان معتقدند اگر پادشاه در سرزمینهای مختلف معبر خوابی یافته بود، هرگز به آنها اعتماد نمی‌کرد و از این‌رو نشانه‌های دشمنی را در پیشانی پادشاه می‌بیند. «بدانید که او [پادشاه] به ضرورت ما را در این محرم داشت و اگر در همه ممالک معبری یافتی، هرگز این اعتماد نفرمودی و با این اضطراب اثر عداوت و دشمنیابی بی‌شبهت در ناصیه او دیده می‌آید» (نصرالله منشی، ۱۳۸۹: ۳۳۳).

۳-۱-۴ نمونه حرکات و اشارات مختص بینی

الف) به جانب راست میل داشتن بینی: نشانه فاسد، مکار و خائن بودن

در «باب بازجست کار دمنه» در دادگاه محاکمه دمنه، یکی از حاضران «به جانب راست میل داشتن بینی» دمنه را علامات کژی سیرت و فساد و خیانت او می‌داند که در

صورت او ظاهر گشته است. «علما گویند: هر گشاده ابرو، که چشم راست او از چپ خردتر باشد با اختلاج دایم و بینی او به جانب راست میل دارد و در هر منبتی از اندام او سه موی روید و نظر او همیشه سوی زمین افتد، ذات ناپاک او مجمع فساد و مکر و منبع فجور و غدر باشد و این علامات در وی موجود است» (نصرالله منشی، ۱۳۸۹: ۱۵۶-۱۵۷).

۳-۱-۵ نمونه حرکات و اشارات مختص دهان و لب

الف) لب بستن و دم طرقدن: نشانه خاموشی و سکوت اختیار کردن در باب «شیر و گاو»، دو مرغابی از باخه می‌خواهند که چون باخه را برداشتند و به آسمان رفتند، باخه لب ببندد و با مردمان مجادله نکند تا او را به سلامت با خود ببرند «و اگر خواهی که تو را ببریم شرط آن است که چون تو را برداشتیم و در هوا رفت، چندانکه مردمان را چشم بر ما افتد هر چیز گویند، راه جلد ببندی و البته لب نگشایی. گفت فرمانبردارم و آنچه بر شما از روی مروّت واجب بود به جای آوردید و من هم می‌پذیرم که دم طرّقم و دل در سنگ شکنم» (نصرالله منشی، ۱۳۸۹: ۱۲۴).

۳-۱-۶ نمونه حرکات و اشارات مختص سر و چهره

الف) طلعت کژ و صورت نازبیا: نشانه عقیده خبیث و پلید در باب «شیر و گاو»، دمنه برای اغرا و تحریک شیر بر گشتن گاو، طلعت کژ گاو را نشانه عقیده پلیدش می‌داند که بر چهره او نمایان است. «دمنه گفت: فرمان ملک راست؛ اما هر گاه که این غدار مکار بیاید، آماده و ساخته باید بود تا فرصتی نیابد و اگر بهتر نگریسته شود، خبث عقیدت او در طلعت کژ و صورت نازیبایش مشاهده شد» (نصرالله منشی، ۱۳۸۹: ۱۱۴).

۳-۱-۷ نمونه حرکات و اشارات مختص موی بدن

الف) ریختن مو: نشانه از دست دادن فرّ و جمال و شکوه و مهابت در باب «بوزینه و باخه» در حکایت «شیر گر گرفته و روباه و خر»، روباه، "ریخته شدن موی بدن شیر" را نشانه از دست دادن فرّ و جمال و شکوه و مهابت شیر می‌داند «و موی ملک بریخته است و جمال و شکوه و بهای او اندک مایه نقصان گرفته و بدان سبب از پیشه بیرون نمی‌توان رفت که حشمت ملک و مهابت پادشاهی را زیان دارد» (نصرالله منشی، ۱۳۸۹: ۲۴۸).



۳-۱-۸ نمونه حرکات و اشارات مختص دست

الف) پشت دست خاییدن: نشانه پشیمان شدن

در باب «شیر و گاو»، کلیله، اندرز نپذیرفتن دمنه را باعث گرفتاری و در نتیجه پشیمان شدن او می‌داند و برای بیان پشیمانی از حالت پشت دست خاییدن از اطوار بدنی بهره می‌گیرد: «و کار تو همین مزاج دارد و هرگز پندنپذیری و عظمت ناصحان در گوش نگذاری و هر آینه در سر این استبداد و اصرار شوی و از این زرق و شعوزه وقتی پشیمان گردی که بیش سود ندارد و زبان خرد در گوش تو خواند که «ترکت الرأی بالرئی». لختی پشت دست خایی و روی سینه خراشی» (نصرالله منشی، ۱۳۸۹: ۱۲۹).

۳-۱-۹ نمونه حرکات و اشارات مختص پا

الف) برخاستن و نشستن: نشانه اضطراب و ترس

در باب «شیر و گاو»، وقتی دمنه برای جست‌وجوی احوال و سنجش حشمت و قدرت، نزد گاو می‌رود، شیر در غیاب دمنه به سبب ترس و اضطرابش، همواره از جای خود برمی‌خیزد و می‌نشیند: «شیر در این فکر مضطرب گشت و برمی‌خاست و می‌نشست و چشم به راه می‌داشت» (نصرالله منشی، ۱۳۸۹: ۹۰).

۳-۱-۱۰ نمونه حرکات و اشارات مختص دُم

الف) پیچاندن دُم: نشانه آماده‌حمله بودن

در باب «شیر و گاو»، پس از تحریک کردن شیر به کشتن گاو، وقتی گاو به محضر شیر می‌رود، شیر به نشانه حمله، راست می‌ایستد و دُم خود را می‌چرخاند و آماده حمله به گاو می‌شود «چون شیر او [گاو] را بدید، راست ایستاد و می‌غرید و دُم چون مار می‌پیچانید» (نصرالله منشی، ۱۳۸۹: ۱۲۷).

۳-۱-۱۱ نمونه حرکات و اشارات ژست‌های دیگر

الف) خویشتن را برافراشتن: نشانه آماده‌حمله بودن

در باب «شیر و گاو»، دمنه، که گاو را از سوء قصد شیر آگاه می‌کند، خویشتن را برافراشتن، راست نشستن شیر و دُم بر زمین زدن او را نشانه‌ها شر و نشانه آمادگی برای حمله می‌داند: «دمنه گفت: چون به نزدیک او روی، علامات شر بینی که راست نشسته باشد و خویشتن را برافراشته و دُم بر زمین می‌زند» (نصرالله منشی، ۱۳۸۹: ۱۲۶).
در جدول ذیل، دیگر نشانه‌های دیداری کتاب کلیله و دمنه به‌طور مفصل نشان داده

_____ رمزگشایی نشانه‌های ارتباط غیرکلامی در کلیله و دمنه

شده است:

نشانه‌های دیداری			
اشارات و ویژگیهای مربوط به ...	رمزگان	نشانه‌ها	رک: به باب و ص
چشم	۱. بر چپ و راست و پس و پیش نگرستن	نشانه کژی باطن و آماده جنگ بودن	«شیر و گاو» (نصرالله منشی، ۱۳۸۹: ۱۱۴)
	۲. چشم راست از چشم چپ خردتر بودن	فاسد، مگار و خائن بودن	«بازجست کار دمنه» (همان: ۱۵۶-۱۵۷)
	۳. چشم را بر یک حالت نگه داشتن	در جهت رد گم کردن و به غلط انداختن	«پادشاه و برهمنان» (همان: ۳۵۱)
	۴. اختلاج دائم چشم (پلک زدن دائمی)	فاسد، مگار و خائن بودن	«بازجست کار دمنه» (همان: ۱۵۶-۱۵۷)
	۵. نظر بر زمین افتادن	فاسد، مگار و خائن بودن	«بازجست کار دمنه» (همان: ۱۵۶-۱۵۷)
	۶. چشم زخم داشتن	در جهت آسیب زدن	«بازجست کار دمنه» (همان: ۱۵۲)
	۷. ساعتی در هم نگرستن	شرم به همراه تأسف	«بازجست کار دمنه» (همان: ۱۵۶-۱۵۷)
	۸. چشم در چشم شدن	در جهت فرمان دادن و فرمان پذیری	«پادشاه برهمنان» (همان: ۳۵۱)
	۹. چشم گشادن	در فرمان‌پذیری جهت	«بازجست کار دمنه» (همانک ۱۴۶)
	۱۰. چشم را سرخ کردن	حریص بودن	«بوف و زاغ» (همان: ۲۲۶)
	۱۱. تاریک شدن چشم	ترس و اضطراب	«بوزینه و باخه» (همان: ۲۴۴-۲۴۵)
	۱۲. ابرو چین انداختن	خشم و عصبانیت	«پادشاه و فزوه» (همان: ۲۷۷)

آبرو	۱۳. گشاده بودن ابرو فاسد، مگّار و خائن بودن (۱۵۷-۱۵۶)	«بازجست کار دمنه» (همان: همان: ۱۵۷-۱۵۶)	
بینی	۱۴. به جانب راست میل داشتن بینی فاسد و مگّار و خائن بودن	«بازجست کار دمنه» (همان: همان: ۱۵۷-۱۵۶)	
لب و دهان	۱۵. لب بستن و دمّ طریقیدن خاموشی و سکوت اختیار کردن	«شیر و گاو» (همان: ۱۲۴)	
	۱۶. زمین را بوسیدن خدمت کردن	بخش «مفتّح کتاب به ترتیب ابن مقفّع» (همان: ۵۷)	
	۱۷. آب دهان خشک ایستادن خشم و عصبانیت	«شیر و گاو» (همان: ۱۰۳)	
سر و صورت	۱۸. طلعت کزّ عقیده خبیث و پلید	«شیر و گاو» (همان: ۱۱۴)	
	۱۹. صورت متلون و متغیّر کژی باطن و آمادگی برای جنگ	«شیر و گاو» (همان: ۱۱۴)	
	۲۰. صورت زشت کژی سیرت	«بازجست کار دمنه» (همان: ۲۰۴)	
	۲۱. زرد روی گشتن خجّل شدن	«بوف و زاغ» (همان: ۲۲۶)	
	۲۲. سرخ روی گشتن	شاداب شدن	«مقدمه ابن مقفّع» (همان: ۵۹)
		سر افراز شدن (معادل روی سفید شدن امروز)	«بوزینه و باخه» (همان: ۲۵۰)
	۲۳. روی گردانیدن بی توجهی	«دوستی کبوتر و زاغ و موش و باخه و آهو» (همان: ۲۵۰)	
	۲۴. روی بر خاک نهادن غم و اندوه	«پادشاه برهمنان» (همان: ۳۳۶)	
	۲۵. ستر نهادن تعظیم و فروتنی	«بوف و زاغ» (همان: ۲۰۶)	
	۲۶. سر در پیش افکندن	راضی و تسلیم شدن	«شیر و گاو» (همان: ۱۲۰)
		شرم همراه با تأسّف از پی بردن به چیزی	«بازجست کار دمنه» (همان: ۱۶۲-۱۶۱)

رمزگشایی نشانه‌های ارتباط غیر کلامی در کلیله و دمنه

	غم و اندوه	«شیر و گاو» (همان: ۱۱۴)	
پیشانی	۲۷. سر بر قفص زدن	پشیمانی «بوزینه و باخه» (همان: ۲۵۲)	
	۲۸. تازه روی بودن	شادمانی «شیر و گاو» (همان: ۱۱۴)	
	۲۹. حالتهای مختلف پیشانی که بیشتر، وراثتی، نسبی و خارج از اختیار است و با واژه‌های «پیشانی»، «عَرْت» و «ناصیه» تعبیر شده است.	عداوت و دشمنی	«پادشاه برهمنان» (همان: ۳۳۳)
		خوف و هراس	«پادشاه برهمنان» (همان: ۳۳۳)
		رشد و نجابت	«پادشاه و فتره» (همان: ۲۷۴)
		سعادت	«بوزینه و باخه» (همان: ۲۳۷)
		پست فطرتی و بُخل	«بوزینه و باخه» (همان: ۲۵۱)
		خوش اقبالی	«بازجست کار دمنه» (همان: ۱۴۶)
	شادی و خوشحالی	«پادشاه برهمنان» (همان: ۳۶۷)	
	غم و اندوه	«پادشاه برهمنان» (همان: ۳۴۶)	
ندامت و پشیمانی	«پادشاه برهمنان» (همان: ۳۵۴)		
مو	۳۰. ریختن مو	از دست دادن فرّ و جمال و شکوه و مهابت «بوزینه و باخه» (همان: ۲۴۸)	
	۳۱. روییدن سه موی در هر مَنَبِت از اندام	فاسد، مکار و خائن بودن «بازجست کار دمنه» (همان: ۱۵۷-۱۵۶)	
	۳۲. گری	از دست دادن قوت و قدرت «بوزینه و باخه» (همان: ۲۴۷)	
	۳۳. سُست بُروت بودن	ابهله و نمک‌شناس بودن «زرگر و سیاح» (همان: ۳۷۳)	
	۳۴. پشت دست خابیدن	پشیمان شدن «شیر و گاو» (همان: ۱۱۴)	

دست	۳۵. دست یکدیگر گرفتن	برادری و مودت	«بازجست کار دمنه» (همان: ۱۵۸)
		عهد بستن	«بازجست کار دمنه» (همان: ۱۵۸)
		اتحاد و هم‌پشتی	«شیر و گاو» (همان: ۱۲۰)
	۳۶. انگشت گزیدن	اندوه و پشیمانی	«پادشاه برهمنان» (همان: ۳۵۹)
		حیرت و شگفتی	«شیر و گاو» (همان: ۸۰)
	۳۷. انگشت‌نما بودن	مشهور بودن در چیزی	«بازجست کار دمنه» (همان: ۱۴۸)
	۳۸. دست بر سینه زدن	مصیبت و گرفتاری	«بازجست کار دمنه» (همان: ۲۰۶)
	۳۹. روی و سینه خراشیدن	پشیمانی	«زاهد و راسو» (همان: ۲۵۶)
	۴۰. با دست و چنگال رخسار را خراشیدن	مصیبت و اندوه	«شیر و گاو» (همان: ۱۲۴)
	۴۱. دست برداشتن	دعا کردن	«بوف و زاغ» (همان: ۲۲۴)
	۴۲. بر دل کوفتن	پشیمانی و اندوه	«زاهد و راسو» (همان: ۱۲۹)
	۴۳. دست دراز کردن	حمله و تعذی کردن	«بوزینه و باخه» (همان: ۱۸۲)
		تکدی‌گری و گدایی کردن	«دوستی کبوتر و زاغ و موش و باخه و آهو» (همان: ۱۸۲)
	۴۴. دست بر سینه کسی زدن	رد و طرد کردن کسی	«بوف و زاغ» (همان: ۲۲۳)
	۴۵. تافتن دست	شکنجه کردن	«دوستی کبوتر و زاغ و موش و باخه و آهو» (همان: ۱۹۰)
	۴۶. دست گراییدن	مغلوب شدن	«بوف و زاغ» (همان: ۲۰۶)
۴۷. برخاستن و نشستن	اضطراب و ترس	«شیر و گاو» (همان: ۹۰)	

رمزگشایی نشانه‌های ارتباط غیرکلامی در کلیله و دمنه

۴۸. ایستادن	به دلیل احترام	«پادشاه برهمنان» (همان: ۳۵۱)
۴۹. راست ایستادن	حمله کردن	«شیر و گاو» (همان: ۱۲۷)
۵۰. بر دو پای ایستادن	نماز خواندن	«بوف و زاغ» (همان: ۲۰۹)
۵۱. برخاستن	خشم و عصبانیت	«بازجست کار دمنه» (همان: ۱۵۹)
۵۲. بر جای خویش قرار گرفتن	آرامش و سکون	«شیر و گاو» (همان: ۹۰)
۵۳. بر یک جای ساکن بودن	هراس	«شیر و گاو» (همان: ۸۱)
۵۴. راست نشستن	آماده حمله بودن و شر بودن	«شیر و گاو» (همان: ۱۲۶)
۵۵. پای در چیزی نهادن	پست و ناچیز شمردن	«دوستی کبوتر و زاغ و موش و باخه و آهو» (همان: ۲۰۶)
۵۶. ایست کردن	تردید و دو دلی	«بوزینه و باخه» (همان: ۲۴۴)
	هراس و اضطراب	«دوستی کبوتر و زاغ و موش و باخه و آهو» (همان: ۱۸۷)
۵۷. ستان رفتن	خود را به مُردن زدن	«شیر و گاو» (همان: ۱۰۷)
۵۸. در چپ و راست و فراز و نشیب رفتن	مضطرب و سرگردان بودن	«شیر و گاو» (همان: ۱۰۸)
۵۹. پای شکسته بودن	اضطراب و تسلیم	«بازجست کار دمنه» (همان: ۱۴۶)
۶۰. خرامیدن	ناز و ادا و مُعاشقت	«پادشاه برهمنان» (همان: ۳۵۱)
دُم	۶۱. پیچاندن دُم	«شیر و گاو» (همان: ۱۲۷)
	۶۲. دُم را بر زمین زدن	آماده حمله بودن و شر بودن
	۶۳. خویش را	آماده حمله بودن

	برافراشتن	
	۶۴. از جای بُردن	از حالت طبیعی خارج کردن «شیر و گاو» (همان: ۸۸)
حالات و حرکات دیگر	۶۵. از جای شدن	خشم و عصبانیت «بوف و زاغ» (همان: ۲۰۷)
		خود را باختن «شیر و گاو» (همان: ۱۰۴)
	۶۶. درازگردن کشیده بالا	حماقت «شیر و گاو» (همان: ۱۲۲)
	۶۷. رعنا بودن «خوش قَد و بالا بودن»	خودپسند بودن «شیر و گاو» (همان: ۸۱)
	۶۸. دامن درچیدن	پرهیز کردن «بوف و زاغ» (همان: ۱۹۵)
	۶۹. میان بستن و دامن درچیدن	آماده حمله بودن «شیر و گاو» (همان: ۲۰۶)
	۷۰. تشمّر (دامن به کمر زدن)	آماده حمله بودن «شیر و گاو» (همان: ۱۲۷)

۳-۲ نشانه‌های آوایی

۳-۲-۱ نمونه نشانه‌ها و اشارات آواز و بانگ و صدای بلند

الف) فریاد و نفیر کردن: نشانه اعتراض کردن

در باب «شیر و گاو» در حکایت «دو شریک یکی زرنگ و دیگری ساده‌لوح»، وقتی دو شریک برای رفع نیاز به طلب گنج نهفته در زیر درخت می‌روند و گنج را نمی‌یابند، شریک زیرک به نشانه اعتراض، فریاد و نفیر برمی‌آورد: «هر دو به هم آمدند و زر نیافتند؛ عجب بردند. زیرک در فریاد و نفیر آمد و دست در گریبان غافل درمانده زد که زر تو برده‌ای و دیگری خبر نداشت» (نصراالله منشی، ۱۳۸۹: ۱۳۰). نمونه بیشتر (رک: همان: ۱۳۴).

۳-۲-۲ نمونه نشانه‌ها و اشارات صدای آهسته

الف) آهسته گفتن: نشانه ترس و احتیاط

در باب «بازجست کار دمنه»، وقتی دمنه خود را گرفتار می‌بیند از سر ترس و احتیاط به یکی از نزدیکانش آهسته می‌گوید...: «دمنه چون در بلا گشاده دید و راه حذر بسته، روی به یکی از نزدیکان آورد و آهسته گفت که چیزی حادث گشتست و فکرت ملک و فراهم آمدن شما را موجبی هست؟» (نصراالله منشی، ۱۳۸۹: ۱۴۳).

۳-۲-۳ نمونه نشانه‌ها و اشارات حالت سکوت و خاموشی

الف) خاموشی گزیدن: نشانه تصدیق کردن و همداستان بودن

در باب «بازجست کار دمنه»، مادر شیر، خاموشی گزیدن شیر را در برابر دمنه، نشانه تصدیق آرای دمنه در دفاعیه‌اش و موافقت شیر با او می‌داند: «[مادر شیر] روی به شیر آورد و گفت خاموشی بر حجّت به تصدیق ماند و از اینجا گویند که خاموشی همداستانی ست» (نصرالله منشی، ۱۳۸۹: ۱۵۰). بیشتر (رک: همان: ۱۵۹).

۳-۲-۴ نمونه نشانه‌ها و اشارات حالت خندیدن

الف) خندیدن: نشانه تمسخر کردن

در باب «بوزینه و باخه» وقتی سوء قصد باخه بر بوزنه معلوم می‌شود و به لطایف حیل از چنگ او رها می‌شود، چون باخه از او می‌خواهد که با او برگردد، بوزنه به نشانه تمسخر بر باخه می‌خندد: «باخه برفور بازگشت و به نجح مراد و حصول غرض واثق شد و بوزنه را بر کران آب رسانید و به تگ بر درخت دوید. باخه ساعتی انتظار کرد؛ پس آواز داد. بوزنه بخندید و گفت...» (نصرالله منشی، ۱۳۸۹: ۲۴۶). نمونه بیشتر (همان: ۶۱) و (همان: ۱۳۴).

۳-۲-۵ نمونه نشانه‌ها و اشارات آه کشیدن

الف) آه کشیدن: نشانه تأسف و غم

در باب «بازجست کار دمنه» وقتی دمنه از وفات کلیله با خبر می‌شود به نشانه تأسف از نهاد خود آهی برمی‌آورد: «و دوستی بود از آن کلیله، روزیه نام به نزدیک دمنه آمد و از وفات کلیله اعلام داد. دمنه رنجور و متأسف گشت و پر غم و متحیر شد و از کوره آتش دل آهی برآورد» (نصرالله منشی، ۱۳۸۹: ۱۵۷).
در جدول ذیل دیگر نشانه‌های آوایی کتاب کلیله و دمنه به‌طور مفصل نشان داده شده است:

نشانه‌های آوایی			
اشارات و ویژگیهای مربوط به ...	رمزگان	نشانه‌ها	رک: به باب و صفحه
۱. فریاد و نفیر زدن	اعتراض کردن	«شیر و گاو» (نصرالله منشی، ۱۳۸۹: ۱۳۴)	
۲. بانگ زدن	شادمانی و نشاط	«پادشاه و فتره» (همان: ۸۱)	



آواز و بانگ و صدای بلند	۳. بانگ و نفیر زدن	شیون و اندوه	«پادشاه و فتره» (همان: ۲۷۵)
	۴. بانگ برداشتن	ترس و داشتن	«پادشاه و فتره» (همان: ۲۷۹)
	۵. آواز بلند	قوت و هیکل عظیم	«شیر و گاو» (همان: ۸۸)
	۶. عربده کشیدن	خشم	«پادشاه و برهمنان» (همان: ۳۳۱)
	۷. آواز دادن	کمک خواستن و مددخواهی	«دوستی کبوتر و زاغ و موش و باخه و آهو» (همان: ۱۶۸)
		خشم	«شیر و گاو» (همان: ۱۰۳)
		اعلان عمومی	«بازجست کار دمنه» (همان: ۱۵۴)
تأیید و تصریح کردن		«بازجست کار دمنه» (همان: ۱۶۲)	
صدای آهسته	۸. آهسته گفتن	احتیاط و ترس	«بازجست کار دمنه» (همان: ۱۴۳)
	۹. نرم نرم آواز دادن	جزع و بیتابی	«بوف و زاغ» (همان: ۲۱۳)
سکوت و خاموشی	۱۰. خاموشی گزیدن	تصدیق کردن و همداستان بودن	«بازجست کار دمنه» (همان: ۱۵۰)
	۱۱. خاموشی گزیدن	دلالت بر عقل	«مقدمه ابن مقفع» (همان: ۵۵)
	۱۲. خاموش گشتن	مردد بودن	«بازجست کار دمنه» (همان: ۱۵۵)
	۱۳. خاموش شدن	احتیاط و دوراندیشی	«پادشاه و برهمنان» (همان: ۳۶۴)
	۱۴. خاموش ایستادن	افتاع شدن و پاسخ خود را گرفتن	«پادشاه و برهمنان» (همان: ۳۸۸)
	۱۵. خاموشی	دلالت بر مهابت	«شیر و گاو» (همان: ۱۱۳)
	۱۶. چیزی نگفتن	کتمان سیر	«بازجست کار دمنه» (همان: ۱۵۴)
	۱۷. سخن ناگفتن	یأس و نومیدی	«بوزینه و باخه» (همان: ۲۳۸)
	۱۸. سخن نگفتن	عادل بودن و قضاوت ناحق نکردن	«شیر و شغال» (همان: ۳۰۳)
	خندیدن	۱۹. دم درکشیدن	مُجاب شدن
۲۰. دم طَرَقیدن		ساکت بودن	«شیر و گاو» (همان: ۱۲۴)
آه کشیدن	۲۱. خندیدن	تمسخر کردن	«بوزینه و باخه» (همان: ۲۴۶)
	۲۲. آه کشیدن	تأسف و غم	«بازجست کار دمنه» (همان: ۱۵۷)
		حسرت و آرزو	«دیباجه مترجم» (همان: ۴۴)

۳-۳ نشانه‌های فاصله بدنی

۳-۳-۱ نمونه نشانه فاصله خیلی نزدیک

الف) در بر گرفتن: به دلیل تأمین امنیت

در باب «شیر و گاو»، در حکایت «خرگوشی که به حیلت شیر را شکار کرد» "در بر گرفتن خرگوش" به دلیل تأمین امنیت صورت گرفته است: «شیر او [خرگوش] را در بر گرفت و به چاه فرو نگریست؛ خیال خود و ازان خرگوش بدید. او را بگذاشت و خود را در چاه افکند» (نصرالله منشی، ۱۳۸۹: ۱۰۳).

۳-۳-۲ نمونه نشانه‌های فاصله نزدیک

الف) فراهم آمدن: به دلیل صمیمیت و دوستی

در باب «دوستی کبوتر و زاغ و موش و باخه و آهو»، حیوانات به دلیل صمیمیت و دوستی خود گرد هم جمع می‌شوند: «روزی زاغ و موش و باخه فراهم آمدند و ساعتی آهو را انتظار نمودند؛ نیامد» (نصرالله منشی، ۱۳۸۹: ۱۸۸). نمونه‌های دیگر با واژه «مقاربت» (همان: ۱۷۰)، و با واژه «جوار» (همان: ۱۸۴). و با تعبیر «فراهم آمدن» (همان: ۱۹۲).

۳-۳-۳ نمونه نشانه‌های فاصله دور

الف) تحرز نمودن: به دلیل دشمنی

در باب «گره و موش»، موش به دلیل دشمنی دیرینه‌اش با گربه از نزدیک شدن به او دوری می‌کند: «دیگر روز موش از سوراخ بیرون آمد و گربه را از دور بدید؛ کراهیت داشت که نزدیک او رود. گربه آواز داد که تحرز چرا می‌نمایی؟ قد استکرمت فارتبط» (نصرالله منشی، ۱۳۸۹: ۲۶۷). نمونه بیشتر با تعبیر «احتراز کردن» رک: (همان: ۲۷۱). در جدول ذیل، دیگر نشانه‌های مربوط به فاصله بدنی در کتاب کلیله و دمنه به‌طور مفصل نشان داده شده است:

نشانه‌های مربوط به فاصله بدنی			
اشارات و ویژگیهای مربوط به ...	رمزگان	نشانه‌ها	رک: به باب و صفحه
فاصله خیلی نزدیک	۱. در بر گرفتن	به دلیل تأمین امنیت	«شیر و گاو» (نصرالله منشی، ۱۳۸۹: ۱۰۳)
	۲. در بر گرفتن	به دلیل معاشقت و رابطه زناشویی	«بوف و زاغ» (همان: ۲۲۳)

فاصله نزدیک	۳. فراهم آمدن	به دلیل صمیمیت و دوستی	«دوستی کبوتر و زاغ و موش و باخه و آهو» (همان: ۱۸۸)	
	۴. به خود نزدیک کردن	به دلیل اعزاز و بزرگداشت	«شیر و گاو» (همان: ۹۱)	
	۵. فراهم آمدن	به دلیل هم‌اندیشی و مشورت	«پادشاه و یاران او» (همان: ۳۸۵)	
	۶. پیشتر آمدن	به دلیل فریب دادن	«بوف و زاغ» (همان: ۲۰۸)	
	۷. فراهم آمدن	به دلیل اتحاد و یکدلی	«شیر و گاو» (همان: ۱۰۲)	
	۸. پیشتر آمدن	به دلیل مصلحت‌اندیشی	«گره و موش» (همان: ۲۶۳)	
	۹. پیشتر رفتن	به دلیل خودنمایی و ابراز وجود	«شیر و شغال» (همان: ۳۰۳)	
	فاصله دور	۱۰. تحرز کردن	به دلیل دشمنی	«گره و موش» (همان: ۲۶۷)
		۱۱. از دور «رسالت» گزاردن	به دلیل عدم اعتماد و امنیت	«بوف و زاغ» (همان: ۲۰۶)
۱۲. از مقاربت برحذر بودن		به دلیل ناهم‌جنس بودن	«شیر و گاو» (همان: ۱۳۳)	

۴. نتیجه‌گیری

واکاوی و رمزگشایی ارتباطات غیرکلامی در کلیله، ما را به این واقعیت رهنمون می‌کند که نویسنده برای تقویت زمینه‌های غیرکلامی قصه‌ها از سه طریق نشانه‌های دیداری، نشانه‌های آوایی و نشانه‌های مربوط به فاصله بیشترین بهره را گرفته و از این طریق، علاوه بر افزایش ظرفیت نمایشی قصه‌ها، روایتی اثرگذار از حوادث ارائه کرده است. از میان کارکردهای جانشینی، تأکیدی، تکمیلی و... زبان بدن در کنار ارتباط آوایی، کارکرد جانشینی زبان بدن، بیشترین نشانه‌ها را به خود اختصاص داده است. در میان این نشانه‌ها به ترتیب نشانه‌های دیداری با رمزگان مربوط به (حرکات چشمها، ابروها، پیشانی، بینی، دهان و لبها، سر و چهره، موی بدن، دستها و پاها، دم، قامت و گردن، لباس و مصنوعات) «۷۰ نشانه» و نشانه‌های آوایی با رمزگان مربوط به (آواز و صدای بلند، صدای آهسته، خاموشی و سکوت، خندیدن، آه کشیدن) «۲۲ نشانه» و نشانه‌های مربوط به فاصله با رمزگان (فاصله خیلی نزدیک، فاصله نزدیک، فاصله دور) «۱۲ نشانه» بیشترین تا کمترین نشانه‌ها را شامل شده است. این رمزگان غیرکلامی، که احتمالاً در

تحریرهای مختلف خود از سرچشمه‌های فرهنگ و حکمت در هند باستان و فرهنگ ایرانی-اسلامی مایه گرفته است در بعضی موارد از اعتقادی کهن دربارهٔ اطوار انسانی پرده برمی‌دارد. برخی از این کنشهای غیرکلامی بیش از اینکه نشاندهندهٔ هیجانات و حالات عاطفی از غم، شادی، ترس، حسرت، بدگمانی، کینه و عداوت، شک و تردید و... شخصیتها باشد، بیشتر جنبهٔ وراثتی و نسبی دارد؛ مثلاً در ناصیه و عُرت و پیشانی می‌توان نشانهٔ رشد و سعادت و نجابت و لثیم‌ظفیری را مشاهده کرد. که بیشتر حالاتی وراثتی و غیرارادی است. نویسنده در بهره‌گیری از نشانه‌های غیرکلامی، آگاهانه عمل می‌کند و تضمین برخی از ابیات فارسی و عربی توسط نویسنده، برای تأکید بر این نشانه‌ها از این کاربرد آگاهانه از زبان بدن خبر می‌دهد. نشانه‌های غیرکلامی در کلیله و دمنه به‌عنوان جلوه‌های فرعی نیست، بلکه این کنشها و رفتارهای غیرکلامی، وقوع بسیاری از حوادث مهم را رقم می‌زند؛ برای مثال در داستان شیر و گاو، که معروفترین قصهٔ کلیله و دمنه است بر اثر سخن‌چینی و دوبه‌هم‌زنی دمنه، نشانه‌های غیرکلامی مثل حالات چشم، ابرو، بینی و دم و... موجب بدگمانی و قتل گاو می‌شود. علاوه بر این، نویسنده در افزایش ظرفیت نمایشی داستان، نه تنها حالات و اطوار غیرکلامی انسانها را به حیوانات نسبت می‌دهد، بلکه به رفتارشناسی حرکات حیوانات و جلوه‌های مختلف آن مثل حرکات دم و ریخته شدن موی حیوان توجه دارد و این سطح از آگاهی و هنر موجب شده است که اثر را در نوع خود از دیگر آثار ادبی ممتاز کند.

پی‌نوشتها

1. Fable
2. Significant
3. Signifie
4. significantion
5. Complementing
6. Contradicting
7. Repeating
8. Regulating
9. Substituting
10. Accenting
11. eye contact visual cue
12. vocal cue
13. proxemics spatial cue
14. Interpersonal Distanace
15. Intimat

- 16. Casual-Personal
- 17. Social-Consultive
- 18. Public

منابع

- احمدی، بابک؛ *از نشانه‌های تصویری تا متن، به سوی نشانه‌شناسی ارتباط دیداری*؛ چ نهم، تهران: نشر مرکز، ۱۳۸۸.
- آرژیل، مایکل؛ *روان‌شناسی ارتباطات و حرکات بدن*؛ ترجمه مرجان فرجی، تهران: مهتاب، ۱۳۷۸.
- آرگایل، مایکل؛ *روان‌شناسی پیام‌رسانی حرکات بدن*؛ ترجمه مرجان فرجی، تهران: انتشارات جوانه رشد، ۱۳۹۳.
- آرونسون، البوت و تیموتی دی. ویلسون و روبین ام. آکرت؛ *روانشناسی اجتماعی*؛ ترجمه افسانه شیخ الاسلام‌زاده، تهران: انتشارات ما و شما، ۱۳۸۴.
- اسمیت، آلفرد جی؛ *ارتباطات و فرهنگ*؛ ترجمه اکرم هادی‌زاده مقدم و طاهره فیضی و مهدی بابائی‌اهری، ج دوم؛ تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۱.
- آلن و پیس باربارا؛ *چگونه با زبان بدن حرف می‌زنیم*؛ ترجمه آذر محمودی، تهران: انتشارات فصل سبز، ۱۳۸۲.
- اینانلو، مینا؛ *برساخت بدن، جامعه‌شناسی سبکهای مدیریت بدن جوانان*؛ تهران: جامعه‌شناسان، ۱۳۹۵.
- باقری خلیلی، علی‌اکبر و مرضیه ژلیکانی؛ «تحلیل سیاسی زبان بدن در تاریخ بیهقی»؛ *متن پژوهی ادبی*؛ س نوزدهم، ش ۶۵، پاییز ۱۳۹۴؛ ص ۷۹-۹۹.
- برکو، ری ام و آندرو دی. وُلوین و دارلین آر. وُلوین؛ *مدیریت ارتباطات*؛ ترجمه سیدمحمد اعرابی و داود ایزدی، چ سوم، تهران: دفتر پژوهشهای فرهنگی، ۱۳۸۲.
- بولتون، رابرت؛ *روان‌شناسی روابط انسانی*؛ ترجمه حمیدرضا سهرابی و افسانه حیات‌روشنایی، چ سوم، تهران: انتشارات رشد، ۱۳۸۱.
- بهنام، مینا و ابوالقاسم قوام و محمد تقوی و محمدرضا هاشمی؛ «گفتار بی‌صدا تأملی بر زبان بدن در غزلیات شمس»؛ *فنون ادبی*، س ششم، ش دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۳؛ ص ۳۴-۴۸.
- پیز، آلن؛ *زبان بدن*؛ ترجمه و تألیف محمدرضا عطفوی و سیدحامد دست‌یافته، چ دوم، کاشان: مرسل، ۱۳۹۶.

_____ رمزگشایی نشانه‌های ارتباط غیرکلامی در کلیله و دمنه

- تی. وود، جولیا؛ *ارتباطات میان فردی*؛ ترجمه مهرداد فیروزبخت، تهران: انتشارات مهتاب، ۱۳۸۴.
- رازانی، علی؛ «نشانه‌های زبان غیرکلامی در کلیله و دمنه و مرزبان‌نامه»؛ *مقالات دومین همایش متن پژوهی ادبی (نگاهی تازه به کلیله و دمنه و مرزبان‌نامه)*، چاپ و دسترسی به صورت آنلاین، ۱۳۹۵؛ ص ۱-۱۸.
- رضی، احمد و الهیار افراخته؛ «تحلیل روابط برون‌زبانی در روایت بردارکردن حسنک وزیر»؛ *دوفصلنامه زبان و ادبیات فارسی*، س هجدهم، ش ۱۴، ۱۳۸۹، ص ۲۹-۵۸.
- ریچموند، ویرجینیایی و جیمزسی. مک کروسکی؛ *رفتار غیرکلامی در روابط میان فردی*؛ ترجمه فاطمه سادات موسوی و ژیلا عبدالله‌پور، چ دوم، تهران: نشر دانژه، ۱۳۸۸.
- سجودی، فرزانه؛ *نشانه‌شناسی کاربردی*؛ تهران: نشر قصه، ۱۳۸۲.
- شعیری، حمیدرضا؛ *نشانه - معناشناسی دیداری*؛ تهران: سخن، ۱۳۹۲.
- فرارو، گری پی؛ *انسان‌شناسی فرهنگی بعد فرنگی تجارت جهانی*؛ ترجمه غلامعلی شاملو، تهران: سمت، ۱۳۷۹.
- فرانزوی، استفن ال؛ *روانشناسی اجتماعی*؛ ترجمه و تلخیص مهرداد فیروزبخت و منصور قنادان، چ چهارم، تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۹۱.
- فرهنگی، علی‌اکبر؛ *ارتباطات انسانی*؛ ج دوم، چ سوم، تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۹۰.
- فرهنگی، علی‌اکبر و حسین فرجی؛ «زبان بدن از نگاه مولانا در مثنوی معنوی»؛ *پژوهشنامه فرهنگ و ادب*، سال پنجم و ششم، ج دوم، ش ۹، ۱۳۸۹؛ ص ۴۲۹-۴۶۲.
- قاسم‌زاده، سیدعلی و محمدشفیع صفاری و حسین علی‌نقی؛ «تحلیل مفاهیم و کارکرد ارتباطات غیرکلامی در شاهنامه»؛ *دوفصلنامه زبان و ادبیات فارسی*، س بیست و ششم، ش ۸۴، بهار و تابستان ۱۳۹۷؛ ص ۱۵۷-۱۸۴.
- کالر، جاناتان؛ *در جستجوی نشانه‌ها*؛ ترجمه لیلا صادقی و تینا امراللهی، تهران: نشر علم، ۱۳۸۸.
- منشی، نصرالله بن عبدالحمید؛ *کلیله و دمنه*؛ تصحیح مجتبی مینوی طهرانی، تهران: انتشارات هیرمند، ۱۳۸۹.
- محمودی، مریم و الهیار افراخته و کرامت نامجو؛ «ارتباطهای غیرکلامی در روایتهای تاریخ بیهقی»؛ *فصلنامه کاوش‌نامه*، س هفدهم، ش ۳۲، ۱۳۹۵؛ ص ۲۰۱-۲۳۱.
- مولکو، سامی؛ *زبان تن*؛ ترجمه امید نوری خواجه‌جوی، تهران: انتشارات ترفند، ۱۳۸۶.

- هارجی، اُون و کریستین ساندرز و دیوید دیکسون؛ *مهارت‌های اجتماعی در ارتباطات میان‌فردی*؛ ترجمه مهرداد فیروزبخت و خشایار بیگی، چ هفتم، تهران: انتشارات رشد، ۱۳۹۳.

- یوسفی، غلامحسین؛ *دیداری با اهل قلم*؛ ج اول، چ چهارم، تهران، انتشارات علمی، ۱۳۷۲.

